



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امروز قرار شده بابت توهینی که در فرانسه به نبی مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم شده تجمعی در مدرسه فیضیه انجام شود لذا ما نیز این حرکت را محکوم و امروز بحث را کوتاه تر می کنیم.

چند مطلب قابل ذکر است:

**مطلب اول:** ما گفتیم فقر مورد انتقاد و مذمت است و باعث انحطاط و عقب ماندگی است اما از طرفی پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده: ﴿الفقر فخری﴾، بله آنچه که ما گفتیم فقر اقتصادی بود اما این فرمایش حضرت در مورد فقر الی الله است یعنی آن توحید و شناخت و معرفتی که پیغمبر نسبت به خدا دارد و درک مرتبه عالی احتیاج و توجه به این مطلب که خداوند غنی است و غنی می کند یک حالت روحی خاصی است که در مرتبه ی کاملش یک ارزش اسلامی و دینی و روحی بسیار بالائی می باشد و منظور حضرت از: ﴿الفقر فخری﴾ همین می باشد و در مجمع البحرین در ماده "فقر" همین مطلب را نوشته که مراجعه می کنید و در سفینه البحار نیز به همین موضوع اشاره دارد، البته این مطلب را نمی توانیم انکار کنیم که اگر کسی بتواند غنی شود اما بخاطر هماهنگی و همزنگی با فقرا و بخاطر توجه بیشتر به خداوند متعال و بخاطر تحمل سختیهای فقر آن هم برای خدا فقیرانه زندگی کند این خودش یکی از ارزش های اسلامی می باشد زیرا همین که دوست دارد فقیرانه زندگی کند و با فقرا در زندگی هماهنگ باشد باعث می شود تا توجه بیشتری نسبت به خدا و عبادات داشته باشد.

**مطلب دوم:** بعضی از افکار و فرهنگ ها در میان فقهاء بزرگ اسلام بسیار نقش آفرین و تأثیر گذار است و تحول ایجاد می کند لذا وقتی وارد فقه ما می شوند فقه را نیز متحول می کند، مثلاً آیت الله العظمی بروجردی وقتی به حوزه علمیه قم آمدند یک سبک خاصی را وارد مباحث

فقهی حوزه کردند، ایشان در هر مسئله ای که مطرح می کردند اقوال عامه و خاصه و سیر تاریخی مسئله را نیز مورد بررسی قرار می دادند که این یک تحولی در فقه بود و تا آن تاریخ به این سبک فقه مورد بحث واقع نمی شد و امام رضوان الله علیه نیز همان طور که تحولی در سیاست کل جهان بوجود آورد در فقه نیز تحول ایجاد کرد لذا ما باید سعی کنیم تحولی که اینها بوجود آوردند حفظ کنیم و در حوزه های علمیه همان طور فقه را مورد بحث و بررسی قرار بدهیم، البته امام رضوان الله علیه فقط در فقه تحول ایجاد نکرد بلکه ایشان در همه زمینه ها و علوم مختلف حوزه علمیه را متحول کردند مثلاً در مورد آیه شریفه: ﴿ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً﴾<sup>۱</sup> می فرمایند کلاً سلطه ی کفار بر مسلمانان به هیچ شکلی نباید باشد اعم از سلطه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و امثال ذلک، ایشان اصطلاحاتی را هم برای ما و هم برای کل دنیا زنده کردند که تا آن وقت خیلی در میان ما نبود، ما کی می دانستیم استکبار و استضعاف چیست، ما با این نظر به آمریکا و اروپا نگاه می کردیم که قدرت و علم و پیشرفت دارند و مثل ما را مرجع می دانستند، ما قبلاً چند سال بحث جهاد را مطرح کردیم، در بحث مرزبانی صاحب جواهر می گوید مرزبانی مستحب است زیرا دلیلی بر وجوب حفظ مرزها در اسلام نداریم، خب اگر اینطور باشد مملکت آسیب می بیند زیرا دشمن از مرزها نفوذ می کند و نقشه هایش را عملی می کند و اتفاقاً ما همان طور که مرزهای آبی و خاکی و هوایی داریم مرزهای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نیز داریم که دشمنان از آنها نفوذ می کنند لذا شناخت و حفظ آنها واجب می باشد، خلاصه اینکه امام رضوان الله علیه از این قبیل بحثها را وارد فقه ما کردند و یکی از این موارد همین بحث ولایت فقیه است لذا ما باید سعی کنیم نظرات ایشان را در نظر بگیریم و وارد فقه کنیم و در حوزه ها مورد بحث قرار بدهیم و حتی آن را به دنیا عرضه کنیم.

<sup>۱</sup> سوره نساء، آیه ۱۴۱.

عمیر، عن حفص بن البختري إلا إنه حذف قوله: وهو فسيكون. وفي (الخصال) عن أبيه، عن سعد، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبي عمير مثله<sup>۲</sup>.

مطلب پنجم: ما انفال را ابتدا از نظر آیات قرآن کریم و بعد از نظر روایات مورد بررسی قرار می دهیم، در قرآن کریم دو آیه در سوره انفال وجود دارد:

اول آیه شریفه: ﴿يَسْلُونَكَ عَنِ الْانْفَالِ قُلِ الْانْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳</sup> و دوم آیه شریفه: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ﴾<sup>۴</sup> می باشد که ما باید بینیم این دو آیه چه نسبت و ارتباطی باهم دارند.

عامه می گویند انفال همان غنائم جنگی می باشد ولی ما با توجه به روایاتمان انفال را خیلی وسیع می دانیم و می گوئیم هر مالی که مالک معین ندارد جزء انفال می باشد مثل معادن، اراضی موات، دریاها، جنگلها، نی زارها، رؤس جبال، بستر رودخانه ها، فضا و امثال ذلک فلذا در اینجا شرایع می گوید انفال ۵ تاست و امام رضوان الله علیه می گوید ۹ تاست و مرحوم نراقی می گوید ۱۱ تا می باشد و علتشم روایاتی است که در این رابطه داریم که ما باید با دقت آنها را مورد بررسی قرار بدهیم إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

مطلب سوم: عرض کردیم در فقه و روایات ما همان طور که قوانین و احکام ذکر شده مجری آنها به عنوان والی و حاکم و امام نیز ذکر شده است و روایاتی را در این رابطه از ابواب مختلف فقه خواندیم مثلاً در مورد صوم خواندیم که اگر کسی در ماه مبارک رمضان عالماً عامداً مستحلاً روزه اش را بخورد یقتله الامام و اگر عالماً عامداً لا مستحلاً روزه اش را بخورد بضره الامام و همین دلیل است بر اینکه فقه ما از ولایت فقیه جدا نیست بلکه همیشه ولایت فقیه به عنوان حافظ و نگهبان و مجری احکام اسلامی در فقه ما وجود دارد، ما عرض کردیم اگر کسی مطلبی در این رابطه دارد بنویسد که برادر عزیزمان جناب آقای فیاضی مطالبی را نوشته اند منتهی مطالب ایشان مربوط به بحث ما نمی شود.

مطلب چهارم: در مورد اشکال کردن در جلسه بحث ما عرض کردیم اگر کسی مطلبی دارد با دقت و تحقیق بنویسد تا ما آن را مطرح کنیم، مثلاً در مورد انفال در شرایع گفته شده انفال پنج تاست، امام رضوان الله علیه می گوید نه تاست، مرحوم نراقی در مستند می گوید یازده تاست و هکذا و بحث وجود دارد که آیا معادن جزء انفال است یا نه و خلاصه اینکه اقوال و روایات مختلفی در اینجا وجود دارد لذا ما اشکالی را می خواهیم که محققانه و بسیار دقیق با تکیه بر اقوال و روایات و قابل عرضه بر آقایان باشد تا مطرح کنیم و مورد بحث و بررسی قرار بدهیم، حالا به عنوان نمونه یک روایتی را عرض می کنم که اگر آقایان با ترجمه بنویسند و بیاورند یک جایزه طلبگی خدمتشان تقدیم می کنیم.

خبر مذکور در کلام استاد حفظه الله: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن حفص بن البختري، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن جبرئيل عليه السلام كرى برجله خمسة أنهار لسان الماء يتبعه الفرات، ودجلة ونيل مصر، ومهران، ونهر بلخ فما سقت أو سقى منها فللإمام، والبحر المطيف بالدنيا وهو فسيكون.

ورواه الكليني عن محمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان، وعن علي بن إبراهيم، عن أبيه جميعاً، عن ابن أبي

<sup>۲</sup> وسائل الشريعة، شيخ حر عاملی، ج ۶، ص ۳۷۰، ابواب انفال، باب ۱، حدیث ۱۸، ط الاسلامیة.  
<sup>۳</sup> سوره انفال، آیه ۱.  
<sup>۴</sup> سوره انفال، آیه ۴۱.